باند «دزدان کارتن خواب» متلاشی شد

سرقت در آرامش!

سجادپور- با دستگیری سردسته حرفه ای باند «دزدان کارتن خواب» در مشهد که برای نوزدهمین بار در چنگ قانون گرفتار شده است، راز سرقت اموال منازل خالی از سکنه فاش شد.

به گزارش خراسان، ماجرای دزدان کارتن خواب از اول اسفند هنگامی لو رفت که شهروندان ساکن در بولوار فارغ التحصیل با پلیس تماس گرفتند و از سر و صداهای شبانه در یک ساختمان مخروبه ابراز نگرانی کردند. با توجه به این که به دستور رئیس پلیس مشهد نیروهای انتظامی موظف به بررسی دقیق همه تماس های مردمی برای مبارزه با سرقت یا جرایم دیگر هستند، بلافاصله گروه گشت خودرویی کلانتری شهرک ناجا عازم خیابان آرامش شد و این ماجرا در دستور کار پلیس قرار گرفت. هنوز چند دقیقه بیشتر از حضور نیروهای انتظامی در محل نگذشته بود که ناگهان مردی میان سال از خانه مخروبه بیرون پرید و قصد فرار داشت که خود را در محاصره پلیس دید. «بشیر» که با مشاهده نیروهای گشت انتظامی، پاهایش سست شده بود، کیسه حاوی لوازم سرقتی را روی زمین انداخت و دستانش را بالا برد.

گزارش خراسان حاکی است، ماموران انتظامی در حالی حلقه های قانون را بر دستان این مرد ۴۷ ساله گره زدند که مقادیر زیادی لوازم سرقتی منزل را در برابر خود می دیدند. دقایقی بعد و با دستور سرهنگ فرهاد حسین پور (رئیس کلانتری شهرک ناجا) لوازم مسروقه کشف شده با یک دستگاه وانت به کلانتری انتقال یافت و تحقیقات از سارق ۴۷ ساله «کارتن خواب» توسط افسران ورزیده دایره تجسس آغاز شد. به گفته رئیس پلیس مشهد، این سارق کریستالی که ۱۸ فقره سابقه کیفری سرقت در پرونده سیاه خود دارد در همان بازجویی های اولیه دو همدست کارتن خواب دیگر خود را نیز لو داد و پرده از سرقت اموال منازل مردم برداشت اما ادعا کرد: همدستانش قبل از حضور نیروهای گشت در مخفیگاه مخروبه، از محل گریخته اند.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی افزود: سردسته باند دزدان کارتن خواب در اعترافات خود گفت: ما روزها در خیابان پرسه می زنیم و منازل خالی از سکنه را شناسایی می کنیم سپس در چند نوبت از نیمه شب تا سپیده دم اموال آن منازل را به مخفیگاه مخروبه انتقال می دهیم. البته در این میان به ساختمان های در حال احداث هم دستبرد می زنیم و آلات و ادوات ساختمانی یا پنجره های آلومینیومی را به سرقت می بریم! این سارق حرفه ای کریستالی در حالی که مدعی بود نشانی دیگری از همدستان کارتن خوابش ندارد در بخشی از اعترافاتش افزود: لوازم سرقتی را به رهگذران و مالخران می فروختیم تا هزینه های اعتیادمان تامین شود. گزارش خراسان حاکی است، چندین تخته فرش، لوازم آشپزخانه، پنکه، ظروف چینی، ضبط، آلومینیوم های تکه شده، پرده، پتو، انواع پوشاک، کیسه خواب و ... از مخفیگاه دزدان کارتن خواب کشف شده است که تحقیقات افسران تجسس کلانتری شهرک ناجا برای شناسایی مال باختگان و دستگیری دیگر اعضای این باند همچنان ادامه دارد.

عکس از خراسان

ازمیان خبرها

سرقت احشام با هماهنگی قبلی

توکلی- در پی گزارش وقوع چند فقره سرقت احشام در شهرستان بردسیر، پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت.

فرمانده انتظامی شهرستان بردسیر گفت: ماموران انتظامی با اقدامات فنی و اشراف اطلاعاتی ۹ سارق را در سطح این شهرستان شناسایی کردند. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "جعفر غضنفری" افزود: ماموران پلیس طی چند عملیات جداگانه دو مالخر و ۹ سارق را دستگیر کردند. وی بیان کرد: متهمان در بازجویی های تخصصی و فنی پلیس به ۱۳ فقره سرقت احشام اعتراف کردند. این مسئول انتظامی با بیان این که دو نفر از این سارقان از اتباع بیگانه هستند، خاطر نشان کرد: دامداران از آنان به عنوان چوپان یا در امور دامداری استفاده می کردند و این دو نفر با شناختی که از مکان های دامداری داشتند با سارقان دیگر هماهنگی و شبانه احشام را سرقت می کردند.

لرزش آذربایجان غربی با ۲ زلزله ۵/۷ ریشتری

زلزله‌ای به بزرگی ۵/۷ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) صبح روز گذشته، بخش قطور شهرستان خوی در شمال آذربایجان غربی را لرزاند. این زمین لرزه در ساعت ۹ و ۲۲ دقیقه و ۵۹ ثانیه و همچون دفعات قبلی در عمق ۶ کیلومتری زمین به وقوع پیوست. مرکز این زمین لرزه در فاصله ۱۷ کیلومتری قطور، ۳۱ کیلومتری شهر خوی و ۳۲ کیلومتری زرآباد بود. برخی از مردم ارومیه و تبریز نیز آن را احساس کردند در حالی که فاصله مرکز زمین لرزه با تبریز ۱۵۶ کیلومتر و با ارومیه ۱۱۵ کیلومتر بود. به گزارش ایرنا، در منطقه قطور شهرستان خوی طی ۱۰ روز گذشته زمین لرزه های متعددی رخ داده است. در همین حال رئیس فوریت‌های پزشکی خوی عصر روز گذشته اعلام کرد: تاکنون تعداد مصدومان زلزله قطور به ۷۵ نفر رسیده است و همچنان برخی از مصدومان پذیرش می‌شوند. مجتبی قمری اصل افزود: بیشتر این افراد با مصدومیت جزئی به مراکز فوریت های پزشکی مراجعه می کنند و تنها شش نفر از آنان بستری هستند. عباس جعفری مدیرکل مدیریت بحران آذربایجان غربی گفت: تعداد خانه‌هایی که امکان اسکان در آن‌ها وجود ندارد، زیاد نیست و در بین همه این زلزله‌زدگان چادر و اقلام امدادی توزیع می‌شود. وی بیان کرد: خانه‌هایی که امکان اسکان در آن‌ها وجود ندارد در ۱۶ روستای منطقه شناسایی شده که در هر یک از این روستاها هم ۱۵ تا ۲۰ خانه این شرایط را دارد. همچنین عصر روز گذشته نیز زلزله‌ای به بزرگی ۵/۷ ریشتر در آذربایجان غربی تکرار شد و این بار حوالی زرآباد در شمال استان را لرزاند. این زمین لرزه در ساعت ۱۹:۳۰ و در فاصله ۲۱ کیلومتری زرآباد، ۲۵ کیلومتری خوی و ۳۱ کیلومتری قره ضیاءالدین اتفاق افتاد و برخی از مردم ارومیه و تبریز نیز آن را احساس کردند. در همین حال بخشدار زرآباد خوی گفت: بر اساس اطلاعات اولیه زلزله ۵.۷ ریشتری این بخش تلفات جانی نداشت اما برخی از منازل روستایی تخریب و برق نیز قطع شده‌است. برخی از مردم شهر سلماس نیز پس از وقوع زلزله در ساعت ۱۹:۳۰ برای مدتی در خیابان‌ها و داخل خودروهای شخصی وقت گذراندند اما اکنون در حال بازگشت به خانه‌های خود هستند.

در امتداد تاریکی

در تنگنای طلاق

خوب می دانم اختلافات شدید بین من و همسرم که به آستانه طلاق کشیده است ریشه در مسائل فرهنگی و تحصیلی دارد اما پنهان کاری برخی موضوعات خانوادگی در مراسم خواستگاری و همچنین آشنایی همسرم با یک زن دیگر در فضای مجازی به شدت به این اختلافات و ناسازگاری ها دامن زده است تا جایی که...

زن جوان که به اتهام کتک کاری و ترک انفاق از همسرش شکایت کرده بود با بیان این که همسرم به خاطر تنوع طلبی و ارتباط با زنان دیگر هیچ رابطه عاطفی با من ندارد درباره سرگذشت خودش به کارشناس اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: دومین فرزند یک خانواده شش نفره هستم که پدرم با کارگری و بدبختی هزینه های زندگی ما را تامین می کرد مادرم نیز همانند پدرم تحصیلات ابتدایی داشت و به امور خانه داری مشغول بود. در این شرایط من تا مقطع دبیرستان درس خواندم اما نتوانستم به دلیل مشکلات اقتصادی و خانوادگی تحصیلاتم را تا پایان دبیرستان ادامه بدهم و به همین دلیل ترک تحصیل کردم تا این که فروردین سال ۹۱ «مختار» به خواستگاری ام آمد. او مدرک تحصیلی کارشناسی اش را در یکی از رشته های علوم انسانی دانشگاه آزاد گرفته بود اما پدرش اهل یکی از روستاهای شهری در خراسان رضوی بود که همه اطرافیانم از اهالی آن شهر می ترسیدند نمی دانم چرا همه خانواده و دوستان و آشنایانم بسیاری از اهالی آن شهر را افرادی عصبانی و خشمگین تصور می کردند به همین دلیل پدرم بلافاصله به خواستگارم جواب رد داد چرا که معتقد بود ریشه نسبی خواستگارم به آن شهر باز می گردد و من در زندگی خوشبخت نخواهم شد اما مادر خواستگارم که از اهالی سمنان بود همچنان بر این خواستگاری پافشاری می کرد و مدعی بود پسرش به شهر مد نظر ما رفت و آمدی ندارد و خصوصیات اخلاقی اش نیز با پدرش تفاوتی از زمین تا آسمان دارد. خلاصه این اصرارها و رفت و آمدها حدود یک سال و نیم به طول انجامید تا این که در نهایت پدرم به این ازدواج رضایت داد و من و مختار با هم به گفت و گو پرداختیم. او که در یک شرکت خصوصی کار می کرد و ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان حقوق دریافتی داشت مدعی بود پدرم از همسر اول خود صاحب فرزندی نشده و به همین دلیل با مادر من ازدواج کرده است و من هم بیشتر به زادگاه مادرم در سمنان تعلق خاطر دارم. خلاصه طولی نکشید که پای سفره عقد نشستم و در حالی به زندگی مشترک با مختار ادامه دادم که او به تحصیلاتش ادامه داد و مدرک فوق لیسانس گرفت. این گونه بود که با افزایش ناگهانی حقوق همسرم زندگی ما رونق دیگری یافت اما متاسفانه از آن چه می ترسیدم بر سرم آمد چرا که همسرم دست بزن داشت و توهین و فحاشی می کرد وقتی از نظر مالی اوضاع اقتصادی ما بهتر شد همسرم نیز به دنبال تنوع طلبی رفت و مدام با زنان غریبه در فضاهای مجازی ارتباط داشت. به همین دلیل روابط عاطفی ما هر روز سردتر می شد و اختلافاتمان شدت می گرفت.

مختار ادعا می کرد من یک دختر بی سواد و خانه دار روستایی هستم و او از همراه بودن با من خجالت می کشد همسرم می گوید تو در شأن من نیستی و من باید حداقل با یک دختر پزشک ازدواج می کردم از سوی دیگر زمانی که به زادگاه مادرش رفته بودیم تازه فهمیدم که مختار درباره تعداد همسران پدرش نیز به من دروغ گفته است و پدر شوهرم دارای سه زن رسمی است و از همسر اولش نیز پنج فرزند دارد. مادر مختار نیز پس از طلاق از همسر اولش و در حالی که صاحب یک پسر بوده با پدر همسرم ازدواج کرده و بعد از آن نیز زن دیگری را به عقد خودش درآورده است. وقتی به مختار اعتراض کردم که چرا در جلسه خواستگاری به من دروغ گفته است با عصبانیت فریاد زد این که پدرم چند زن دارد ربطی به تو ندارد! اختلافات و ناسازگاری های بین من و همسرم در حالی شدت می گرفت که او هر بار مرا کتک می زد و دختری بیسواد خطاب می کرد. با وجود این من به خاطر دختر یک ساله ام همه این مشکلات را تحمل می کردم تا شاید روزی همسرم به آغوش خانواده اش بازگردد و دست از ارتباط با زنان غریبه بردارد ولی او تصمیم گرفته است با یکی از همان زنانی که در فضای مجازی با او آشنا شده ازدواج کند و من دیگر تحمل سرزنش ها و کتک کاری های او را ندارم. از سوی دیگر نیز همسرم با ندادن مخارج زندگی مرا برای گرفتن طلاق در تنگنا گذاشته است اما ای کاش...

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ عابدی (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده شکایت این زن جوان در دایره مددکاری اجتماعی و توسط کارشناسان زبده کلانتری مورد رسیدگی قرار گرفت تا آن ها به زندگی مشترک خود با رفع اختلافات ادامه دهند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی